**به آتش کشیدن مسجد الاقصی توسط صهیونیست‌ها**

روز 30 مرداد 1348 بخشي از مسجدالاقصي در فلسطين اشغالي توسط افراد متعصب صهيونيست به آتش كشيده شد و خسارات قابل توجهي به آن وارد آمد. اسرائيل اين حادثه را كه خشم و انزجار مسلمانان سراسر جهان را برانگيخت به يك جهانگرد يهودي استراليايي نسبت داد. «دنيس مايكل روهان» سياح استراليايي كه صهيونيستها وي را عامل به آتش كشيدن مسجدالاقصي معرفي كردند، در يك حركت نمايشي محاكمه شد و متعاقباً منابع خبري اسرائيل اعلام كردند كه چون نامبرده دچار بيماري رواني بوده آزاد شده است. 1  
حادثه آتش‌سوزي در مسجدالاقصي يك سال پس از تصرف بخش شرقي بيت‌المقدس توسط نيروهاي اسرائيلي در جريان جنگ‌ 6 روزه ژوئن 1967 (خرداد 1346) صورت گرفت. در آن زمان گلداماير عضو حزب كار اسرائيل كه به تازگي در پي مرگ «لوي اشكول»2 تصدي دولت را بر عهده داشت، نخست وزير اسرائيل بود. او از جمله سياستمداراني بود كه بر كاوش در بخشهاي زيرين مسجدالاقصي براي يافتن آنچه كه «هيكل سليمان و ساير ابنيه مقدس يهوديان» خوانده شده بود، اصرار مي‌ورزيد. رژيم صهيونيستي از نخستين روزهاي اشغال بيت‌المقدس اقدامات زيادي براي زدودن آثار و تعلقات اسلامي اين شهر به عمل آورد. از جمله اين اقدامات بستن بانكهاي عربي، تخريب خانه‌ها و يا اماكن اسلامي، افزايش آباديهاي يهودي نشين، جمع‌آوري پولهاي عربي و رواج پول اسرائيلي، مجبور ساختن اعراب به تعويض شناسنامه‌هاي عربي و تبديل آنها به شناسنامه‌هاي اسرائيلي، ساير اشكال هويت زدائي از مردم مسلمان بيت‌المقدس بود. در جريان جنگ اول اعراب و اسرائيل و همچنين جنگ 6 روزه رژيم صهيونيستي عليه كشورهاي اسلامي چندين بار بيت‌المقدس توسط جنگنده‌هاي اسرائيلي بمباران شد . و در يكي از حملات هوائي دروازه مركزي مسجدالاقصي و يكي از منارهاي آن خسارت ديد.3 از ماه مارس 1968 (اسفند 1346) صهيونيستها به وسيله گروههاي باستان ‌شناسي و به بهانه كشف آثار معبد سليمان در اطراف و زير عمارت مسجدالاقصي دست به كار حفاري شدند و در محيط حرم شريف نيز حفاريهائي انجام داده و در بخش زيرين مسجد تونلهاي متقاطعي حفر كردند. هدف از اين گونه اقدامات، تخريب تدريجي مسجدالاقصي، نماد اتحاد ملت مسلمان فلسطين و سپس احداث دوباره معبد يهود به جاي آن بود. حادثه به آتش كشيدن مسجدالاقصي نيز يكي ديگر از همين اقدامات است كه ويران كردن اين بنا را دنبال مي‌كند.

در ماجراي آتش سوزي مسجدالاقصي دست كم 200 متر مربع از سقف مسجد كاملاً ويران شد، گنبد مجسد در 5 نقطه آن سوخت و يكي از آثار مسجد همراه با يك منبر قديميِ با ارزش كه هشتصد سال سابقه داشت طعمه حريق شده و از بين رفت. 4 اين جنايت كه خشم مسلمانان جهان را برانگيخت، سبب شد تا بسياري از نشريات كشورهاي اسلامي از لزوم عكس‌العمل در برابر صهيونيستها سخن به ميان آوردند. اين بزرگترين جنايت صهيونيستها عليه مسجدالاقصي طي 10 ماهي بود كه از تصرف بيت‌المقدس شرقي توسط آنان مي‌گذشت.  
شهر بيت‌المقدس در سالهاي اوليه بعد از رحلت پيامبر اسلام (ص) با روش‌هاي مسالمت‌آميز از سلطه رومي‌ها بيرون آمد و به مسلمين سپرده شد. در سال 74 هـ در همان مكاني كه پيامبر اسلام به معراج رفتند، مسجدالاقصي احداث گرديد. اين مسجد با شكوه، مرحله تكميل همان مسجد كوچك بود كه پيش از آن در همان مكان وجود داشت. سابقه تاريخي و حرمتي كه از دير باز بر اين مكان مقدس مترتب بوده، سبب شد اقدام شوم صهونيستها در به آتش كشيدن مسجدالاقصي به صورت يك فاجعه ديني جلوه كرده، واكنش خشم‌آلود بين‌المللي را به ويژه در جهان اسلام به همراه آورد.

تأسيس سازمان كنفرانس اسلامي؛ نتيجه آتش‌سوزي در مسجدالاقصي  
آتش‌سوزي در مسجدالاقصي يكي از دلايل شكل‌گيري سازمان كنفرانس اسلامي در مهر 1348 بود. سازمان يك ماه پس از اين حادثه، طي اجلاسي با شركت سران كشورهاي اسلامي در رباط پايتخت مراكش اعلام موجوديت كرد.

شكست اعراب از رژيم صهيونيستي در جنگ 6 روزه كه اثرات خرد كننده‌اي در روحيه مردم و بسياري از دولت‌ها گذارده بود، خلأ يك تشكل اسلامي را به روشني نشان مي‌داد. در اين جنگ به فاصله 6 روز، نيروهاي اسرائيلي توانستند صحراي سينا را از مصر، جولان را از سوريه وكرانه باختري از جمله بخش شرقي بيت‌المقدس را از اردن به تصرف خود درآوردند. تأسيس سازمان كنفرانس اسلامي به عنوان جلوه‌اي از اتحاد و تشكل دولتهاي اسلامي، مرهمي بر اين زخم رومي بود؛ هر چند كه در تأسيس هدايت و سازماندهي اين كنفرانس چهره‌هائي مانند شاه ايران و ملك‌ فيصل عربستان، نقش اصلي و شاخص را داشتند.

موجوديت سازمان كنفرانس اسلامي در پايان اولين نشست سران دولتهاي اسلامي در سوم مهر 1348 در رباط مراكش اعلام شد. ملك حسن دوم پادشاه پيشين مراكش ميزبان اجلاس و محمد رضا پهلوي شاه وقت ايران افتتاح كننده آن بود. نكته‌‌‌اي كه در اين رابطه قابل تأمل است، حمايت دولتهاي غربي از برگزاري اين اجلاس و اصرار آنها به عدم برگزاري اجلاس اتحاديه عرب بود. مخالفت غرب با برگزاري نشست كشورهاي عربي به اين خاطر بود كه در آن زمان بسياري از دولتهاي عربي تحت نفوذ جمال عبدالناصر قرار داشتند و تشكيل هر اجلاسي كه محدود به كشورهاي عرب مي‌شد، ممكن بود با توجه به نفوذ ناصر، منجر به تندروي عليه اسرائيل گردد و آمريكا و اروپا مخالف چنين پيشامدي بودند. از اين رو دولتهائي مانند عربستان و شاه ايران در پي رايزني غربيها پيشگام برگزاري اجلاس خنثي و بدون واكنش شدند. نشست رباط كه با سخنان شاه ايران افتتاح شد حاصل همين نگرش و مبدأ تأسيس سازمان كنفرانس اسلامي بود. شاه در سخنان خود كلمه‌اي از آتش‌سوزي در مسجدالاقصي به ميان نياورد و تنها دولتهاي اسلامي را به تفاهم و همدلي با يكديگر دعوت كرد. اجلاس رباط به گونه‌اي اداره شد كه در قطعنامه پاياني آن حتي از آوردن كلمه بيت‌ المقدس نيز امتناع شده بود و به جاي آن از واژه عبري «اورشليم» استفاده شده بود. 5 در اين كنفرانس حتي پيشنهاد سازمان آزاديبخش فلسطين در مورد متشكل شدن كشورهاي اسلامي در برابر اسرائيل و تحريم عليه حكومت تل آويو مجال طرح نيافت و شديدترين موضع اجلاس رباط عليه اسرائيل، درخواست از اين كشور براي بازگشت به پشت مرزهاي قبل از جنگ ژوئن 1967 بود.

واكنش امام خميني(ره)

اقدام صهيونيستها در آتش زدن مسجدالاقصي با واكنش تند حضرت امام خميني (ره) روبرو شد. امام خميني كه در نجف اقامت داشتند، اقدام جنايتكارانه صهيونيستها و تشكيل اجلاس رباط و سياستهاي رژيم شاه را مورد انتقاد شديد قرار دادند. روزنامه «الجمهوريه» چاپ بغداد در شماره 588 خود در1/8/1348 تحت عنوان «مرجع ديني حضرت آيت‌الله خميني خواستند كه مسجدالاقصي تجديد بنا نشود» چنين نوشت:

«حضرت آ‌يت‌الله خميني،مرجع ديني، از كليه مسلمانان خواستند كه صفوف خود را در برابر دشمنان متحد سازند. حضرت آيت‌الله طي گفتگوئي با خبرگزاري عراق اظهار داشتند: كنفرانس اسلامي كه در رباط منعقد گرديد منشأ خدمتي به سود مسلمانان نشد،‌بلكه به دشمنان اسلام كمك كرد زيرا بعضي از شركت ‌كنندگان در اين كنفرانس نيت صادقانه نداشتند و به علاوه تناقضاتي ميان شركت‌كنندگان در اين كنفرانس وجود داشت.

حضرت آيت‌الله افزودند: تا زماني كه فلسطين اشغال شده آزاد نشده است مسلمانان مسجدالاقصي را نبايد تجديد بنا كنند. بگذارند جنايت صهيونيسم هماره در برابر چشمان مسلمانان مجسم باشد و ماية حركتي براي آزادي فلسطين گردد.» 6

امام خميني ضمن بحث راجع به «حكومت اسلامي» در بهمن 1348 نيز نظر خود را راجع به ‌آتش‌سوزي مسجدالاقصي و نقشه صهيونيستي و غارتگرانه‌اي كه رژيم شاه در زير پوشش جمع‌آوري اعانه براي تجديد بناي مسجدالاقصي دنبال مي‌كرد، چنين بيان كرد:  
«... مسجدالاقصي را آتش زدند، ما فرياد مي‌كنيم كه بگذاريد مسجدالاقصي به همين حال نيم سوخته باقي باشد،‌اين جرم را از بين نبريد ولي رژيم شاه حساب باز مي‌كند و صندوق مي‌‌گذارد و به اسم بناي مسجدالاقصي از مردم پول مي‌گيرد تا شاه بتواند از اين راه استفاده نمايد و جيب خود را پر كند و ضمناً آثار جرم اسرائيل را از بين ببرد...» 7

پاورقي  
1ـ «كيهان سال»؛ سال 1348؛ روز شمار رويدادهاي جهان.

2ـ «لوي اشكول» از 16 ژوئن 1963 تا زمان مرگش در 26 فوريه 1969 نخست وزير اسرائيل بود.

3- روزنامه جمهوري اسلامي، پنجشنبه 22 فروردين 137، صفحه سياسي.

4- نهضت امام خميني؛ سيد حميد روحاني؛ جلد اول؛ ص 445

5- همان ص 456.

6- همان ص 459.

7- همان ص 459.

منبع: سایت رسمی موسسه مطالعات و پژوهشهاي سياسي